

دانشماده‌نگاری قانون (ظرفیتی نویافته برای تحول در ادبیات حقوقی معاصر)

سید مسین صفایی^۱

محمد درویش‌زاده^۲

سرمقاله

مقدمه:

دانشماده، پیشنهادی نو ترکیب است و متناسب با اشباه و نظایری همچون دانشنامه^۳، دانشواژه^۴، دانش‌بنیان^۵، دانشیار^۶، دانش‌پایه^۷، دانشمایه و ... طراحی شده است. در این سرمقاله تلاش می‌شود با این ترکیب نویافته، نظمی علمی^۸ برای سازماندهی «دانش پیرامونی مواد قانون» و توسعه رویکرد ماده محوری در پژوهش‌های حقوق طراحی و پیشنهاد شود. نویسندگان معتقدند که از این رهگذر ادبیات حقوقی معاصر متحول شده، کارآمدی و اثربخشی بیشتری پیدا خواهد کرد. بعون‌الله تعالی.

Email: hsafaii@ut.ac.ir

^۱ استاد دانشگاه تهران

Email: darvishzadeh@lawpedia.ir

^۲ قاضی پیشین دیوان عالی کشور و رئیس پژوهشکده حقوق و قانون ایران

^۳ Encyclopedia

^۴ Terminology

^۵ Knowledge-based

^۶ Associate Professor

^۷ Educational grade

^۸ academic discipline- Scientific order

۱. منظور از دانشماده‌نگاری قانون:

به طور سنتی پژوهش‌های حقوق «موضوع محور»^۱ است و عنوان مدار؛ به این معنا که هر یک از پژوهش‌های حقوق به موضوع خاصی اختصاص دارد که در عنوان پژوهش منعکس است. اما در دانشماده‌نگاری تأکید بر آن است که پژوهش، پیرامون تک تک مواد قانون متمرکز شود. برای این منظور لازم است نظمی علمی برای پژوهش پیرامون هر یک از مواد قانون شناسایی شود. به عنوان مثال دکترین یا رویه قضایی شکل یافته پیرامون هر یک از مواد قانون می‌تواند بخشی از آن نظم علمی باشد؛ کما اینکه در آثار استادان پیشین که رویکرد ماده محوری در پژوهش‌های حقوقی داشته‌اند و دکترین و رویه قضایی مربوط به هر ماده بررسی شده است. بنابراین می‌توان گفت دانشماده‌نگاری قانون عبارت از پژوهشی است که: با نظمی علمی^۲، دانش شکل یافته پیرامون هر یک از مواد قانون را کاوش می‌کند.

۲. دانشماده‌نگاری قانون در قالب تمثیل:

استفاده از تمثیل^۳، تشبیه، استعاره همواره راهگشاست. برای توضیح دانشماده‌نگاری قانون، به ذکر دو تمثیل انسانی و طبیعی در این زمینه اشاره می‌شود.

۲-۱. تمثیل انسانی از دانشماده‌نگاری قانون:

قانون همچون موجود انسانی تحت شرایط خاص و توسط قانون‌گذاران وجود پیدا می‌کند و متولد می‌شود.^۴ اجزای ظاهری این موجود از طریق فصول و مواد قانون مشخص می‌شود. آثار و پیامدهای اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی قانون همانند وقایع و اعمال حقوقی موجود زنده پدیدار می‌شوند و قانون مصوب را با چالش‌ها، فرصت‌ها و کارکردهای خاص مواجه می‌کنند. در این میان «فرایند یادگیری^۵ موجود انسانی» به عنوان پیچیده‌ترین فرایندهای شناختی^۶ در انسان

1. Article-knowledge
2. issue-oriented
3. Academic discipline
4. Allegory

۵. با الهام از نظریه وجود اعتباری استاد دکتر محمد جعفر جعفری لنگرودی

6. Learning process
7. Cognitive processes

از طریق «دانشمادهنگاری قانون» قابل توضیح است؛ زیرا فرایند یادگیری موجود انسانی از آغازین مراحل تکوین وی شکل می‌گیرد. همان طور که در ابتدا دانش و یادگیری کودک به صورت تجربی و برنامه‌ریزی نشده از طریق مشاهده و لمس اشیاء پیرامون شکل می‌گیرد، به همان شکل نیز دانش پیرامونی یک ماده قانون از مباحثی آغاز می‌شود که راجع به تکوین آن ماده شکل گرفته است و پیشینه قبلی آن ماده قانون را نشان می‌دهد و نیز از دانشی که در خصوص نحوه تصویب یک ماده قانون پدیدار می‌شود و تا زمان نسخ آن ماده مستمراً بر حجم دانش پیرامونی ماده قانون اضافه می‌شود. حتی پس از نسخ ماده قانون نیز دانش شکل یافته پیرامون آن ماده، که منتهی به نسخ ماده شده است، بر جای می‌ماند. حال اگر این دانش شکل یافته پیرامون یک ماده قانون به تحقیق و نگارش درآید، در واقع «دانشمادهنگاری قانون» انجام شده است و به این ترتیب فرایند یاددهی-یادگیری ماده قانون همانند با یادگیری موجود انسانی شکل گرفته است.

۲-۲. تمثیل طبیعی:

این تمثیل در ارتباط با دانشمادهنگاری قانون به این صورت قابل توضیح است که حاصل تلاش و تعامل ۳ گروه قانون‌گذاران، مجریان (قضات، وکلا و سایر مجریان قانون) و دانشیان و نظریه پردازان حقوقی منتهی به تولید دانش، پیرامون هر یک از مواد قانون می‌شود. به این ترتیب که حاصل تلاش قانون‌گذاران، که مواد قانونی را به وجود می‌آورند، همانند ایجاد کوه‌ها، جویبارها و رودخانه‌هایی است که پیرامون آن‌ها آبادانی، تمدن، زندگی و شهرنشینی شکل می‌گیرد. اما شکل‌گیری آبادی و شهرنشینی پیرامون این رودخانه‌ها با تلاش مجریان و دانشیان حقوق انجام می‌شود. همان‌گونه که شهرها و آبادی‌ها پیرامون رودخانه‌ها شکل می‌گیرند و از آن ارتزاق می‌کنند و با آن در تعامل مستقیم و مستمر هستند، تلاش مجریان و دانشیان حقوق نیز به همان صورت پیرامون مواد قانون انجام می‌شود و هر یک از مواد قانون را تبیین می‌کند. نتیجه تعامل رودخانه و ساکنان پیرامونی آن، آبادی، شهرسازی و پدید آمدن تمدن‌ها را به دنبال دارد و اکنون این سؤال مطرح است که پژوهش در دانش پیرامونی مواد قانون از کدام نظم منطقی و علمی تبعیت می‌کند؟

۳. نظم علمی در دانشماده‌نگاری قانون:

به نظر می‌رسد نظم علمی و منطقی ثابتی که می‌تواند همواره در مطالعات دانشماده‌نگاری قانون مورد استفاده قرار گیرد؛ به گونه‌ای است که دانش شکل یافته پیرامون هر یک از مواد قانون در ۸ محور قابل مطالعه و پژوهش است. توضیح این محورها به شرح زیر است:

۱-۳. مطالعه پیشینه، تاریخ و نحوه تصویب یک ماده قانون:

اهمیت پرداختن به تاریخ و پیشینه مواد قانون از آنجاست که وابستگی حقوق به تاریخ بسیار زیاد است. شناسایی سوابق، الزامات و نیازهای منتهی به تصویب قانون یا یک ماده قانون زمینه درک عمیق از مفهوم، اهداف، الزامات و انگیزه‌های قانون‌گذار را فراهم می‌کند. ضمن آن که هر ماده قانون می‌تواند از پیشینه خاص برخوردار باشد و سابقه‌ای در قوانین مدون گذشته یا در فرهنگ عمومی داشته باشد. بیش از یکصد سال فعالیت نظام قانون‌گذاری در ایران موجب شده است که قریب به اتفاق مواد قانون، دارای تاریخچه، پیشینه و سابقه‌ای خاص باشند.

۲-۳. مطالعه مفردات، واژه پژوهی یا واژگان کلیدی:

تبيين مفردات و واژه‌شناسی و اصطلاحات تخصصی به کار رفته در یک یا چند ماده قانون از بخش‌های ثابت دانشماده‌نگاری محسوب می‌شود. به کمک مطالعات واژه‌شناسی یک ماده می‌توان زمینه فهم، تبیین و تفسیر دقیق ماده قانون را فراهم کرد. دانشی که پس از توضیح معنای لغوی، اصطلاحی و موردی هر یک از اصطلاحات استخدام شده در یک ماده قانون پدید می‌آید، می‌تواند بخشی از دانش پیرامونی مواد قانون تلقی شود و محوری ثابت در مطالعات دانشماده‌نگاری قانون قرار گیرد.

۳-۳. مطالعه روابط ماده قانون با سایر مواد و قوانین مرتبط:

گسترش قانون‌گذاری موجب شده است که روابطی سیستمی بین مواد قانون پدید آید. این روابط در فهم معنای یک ماده و سعه و ضیق آن تأثیر مستقیم دارد. زمانی درک سیستمی از روابط میان مواد قانون پدید می‌آید که همواره رابطه یک ماده با مواد قانون دیگر مورد پژوهش قرار گیرد. بررسی تطبیقی مواد یک قانون با سایر مواد قانون باید از اسناد بالادستی نظیر قانون اساسی تا قوانین عادی انجام گیرد و منتهی به درک سیستمی و یکپارچه قوانین شود. انباشت دانش

پیرامون مواد قانون و درک نظام‌واره‌ای^۱ از قوانین به کمک مطالعه روابط میان یک ماده با سایر مواد قانون پدید می‌آید و به این ترتیب بخش ثابت دیگری در مطالعات «دانشماده‌نگاری قانون» به این موضوع اختصاص می‌یابد.

۳-۴. مطالعه تطبیقی یک ماده قانون در حقوق سایر کشورها و معاهدات

بین‌المللی:

شناخت تجربه سایر کشورها و مطالعات تطبیقی در ارتباط با یک یا چند ماده موجب می‌شود که تفاوت‌های نظام حقوقی کشور با سایر نظام‌های حقوقی تبیین شود و علت تفاوت‌ها، تمایزها و نیز موارد تشابه میان نظام‌های حقوقی به صورت عینی مشخص شود، دانش ویژه‌ای از این ناحیه پدید می‌آید که موجب غنای مطالعات دانشماده‌نگاری قانون می‌شود. اگرچه ممکن است بسیاری از مواد قانون به صورت «طابق النعل بالنعل» در حقوق تطبیقی مشابه و معادلی نداشته باشد، اما از نظر مفهومی و معنایی هر یک از مواد قانون می‌تواند در مطالعات حقوق تطبیقی مورد پژوهش قرار گیرد؛ زیرا قانون نیاز مشترک جوامع است و باید دید که هر یک از جوامع چگونه این نیاز را برآورده کرده، و در قالب چه موادی به آن پاسخ داده است؟ و بنابراین مطالعه تطبیقی محتوای هر یک از مواد، بخشی دیگر از دانش پیرامونی مواد قانون را شکل می‌دهد.

۳-۵. مطالعه فلسفه و مبانی نظری ماده قانونی:

منظور از فلسفه ماده قانونی، بررسی اهداف قانون‌گذار و مبانی علمی و نظری است که منتهی به تصویب یک یا چند ماده قانونی شده است. تبیین فلسفه قانون و مبانی نظری، به صورت عینیت یافته در یک ماده قانونی، موجب افزایش توان تفسیر و فهم منظور مقنن و مفاد قانون می‌شود و غنای علمی پژوهش‌های دانشماده‌نگاری قانون را افزایش می‌دهد.

۳-۶. مطالعه نکات توضیحی و تبیینی از دکترین حقوقی:

همان‌گونه که در تمثیل‌های انسانی و طبیعی از دانشماده‌نگاری قانون گزارش شد، دکترین حقوقی پیرامون مواد قانونی پدید آمده‌اند و وظیفه تبیین، توضیح و ایجاد نظم علمی در مواد قانون را بر عهده دارند؛ بنابراین در مطالعات دانشماده‌نگاری قانون لازم است با نظمی علمی نکات تبیینی و توضیحی دکترین حقوقی را در خصوص هر ماده قانونی مورد پژوهش قرار داد. کمالینکه

¹ Systematic

در نمونه‌هایی که تاکنون در قالب شرح ماده به ماده قانون و یا محشای قوانین پدید آمده، چنین بوده است؛ اما نمونه‌های پیشین به گونه‌ای نیست که نظمی علمی برای الگوی دانشماده‌نگاری قانون را فراهم کند.

۳-۷. مطالعه انتقادی ماده قانونی:

شناسایی انتقاداتی که در پژوهش‌های حقوقی مختلف در ارتباط با یک ماده قانونی انجام شده است، موجب می‌شود که شاخص «مصرف علم»^۱ در کنار شاخص «تولید علم»^۲ افزایش پیدا کند. علاوه بر آن، ضرورت بررسی مطالعه انتقادی یک ماده قانونی، صرف‌نظر از انتقادهایی که در پژوهش‌های قبلی در رابطه با هر ماده قانون انجام شده است، موجب می‌شود که مطالعات دانشماده‌نگاری قانون از اثربخشی بیشتری برخوردار شود. بر این اساس، مطالعه‌ی انتقادی ماده قانونی و شناسایی و ارزیابی پیشنهادهایی که برای اصلاح ماده قانونی ارائه شده است، هم در پژوهش‌های گذشته‌نگر و هم در پژوهش مورد بررسی، به‌صورت ثابت می‌تواند در دانشماده‌نگاری قانون مدنظر قرار گیرد و موجب غنای علمی این شیوه پژوهش و تحقیق گردد.

۳-۸. مطالعه موردی رویه قضایی^۳ و عادات تکراری‌پذیر دادگاه‌ها:

موردپژوهی^۴ و ارزیابی رویه‌های قضایی شکل یافته پیرامون هر ماده قانون، تلاش دارد تا عادات شکل یافته و تکراری‌پذیر دادگاه‌ها پیرامون هر یک از مواد قانون را شناسایی کند و مورد بررسی و ارزیابی قرار دهد. اهمیت مطالعه موردی رویه قضایی و عادات تکراری‌پذیر دادگاه‌ها، در نظمی علمی، ناشی از آن است که شناسایی، ثبت و ارزیابی این رویه‌ها موجب می‌شود که انسجام بیشتری پیرامون دانش رویه‌ای ماده قانونی شکل گیرد و از تعدد رویه جلوگیری شود. به این ترتیب محورهای موضوعی یا همان نظم علمی در دانشماده‌نگاری قانونی در هشت محور به‌شرح فوق مشخص شد. البته ممکن است در برخی از مواد قانون تمامی این موارد قابل پژوهش نباشد یا در برخی موارد میان این هشت محور همپوشانی و تداخل باشد؛ اما نظم علمی این الگوی پژوهشی همواره قابل توجه است.

1. Consumption of Science
2. Science production
3. Judicial precedent
4. Case study

۴. دانشماده‌نگاری قانون فرایندی تکاملی در ادبیات حقوقی معاصر:

ملاحظه شد که نظم علمی تعریف شده در این سرمقاله برای مطالعات دانشماده‌نگاری قانون به گونه‌ای است که پیشنهاد مدلی جدید برای مطالعات و پژوهش‌های حقوقی را فراهم و می‌تواند تحول در ادبیات حقوقی معاصر را پدید آورد. به منظور شناخت نحوه ارتباط این مدل پیشنهادی با سوابق سنت‌های علمی و پژوهشی به صورت کلی و نیز ارتباط آن با پیشینه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی موارد زیر قابل ذکر است:

۴-۱. ارتباط دانشماده‌نگاری با انواع ادبی:

تعیین جایگاه دانشماده‌نگاری در آثار ادبی و ادبیات جهان اهمیت خاصی دارد؛ از آن جا که ادبیات جهانی در چهار طبقه قرار گرفته است که عبارت است از: ۱. ادبیات حماسی، ۲. ادبیات غنایی، ۳. ادبیات تعلیمی و ۴. ادبیات عرفانی. نتیجه می‌شود که مطالعه دانشماده‌نگاری از نوع ادبیات تعلیمی در آثار ادبی جهان قرار می‌گیرد و از آن جا که ادبیات تعلیمی در قالب‌های متعددی همچون: داستان، حکایت، شعر، نثر و کتب علمی و موضوعی طبقه‌بندی شده است، یقیناً دانشماده‌نگاری قانون از نظر طبقه‌بندی انواع ادبی در شاخه ادبیات تعلیمی و انواع آثار علمی قابل طبقه‌بندی است و می‌تواند نوع خاصی از ادبیات ویژه حقوق را پدید آورد.

۴-۲. ارتباط دانشنامه‌نگاری با مدیریت دانش:

مدیریت دانش در چند دهه اخیر و به دنبال انقلابی که در فناوری اطلاعات و ارتباطات صورت گرفته، در مجامع علمی مطرح و اهمیت یافته است. دانشماده‌نگاری قانون از فلسفه مدیریت دانش تبعیت می‌کند؛ زیرا تلاشی است برای شناسایی، مدیریت و تسهیم سرمایه‌های اطلاعاتی شکل یافته پیرامون مواد قانون، همچنین از آن جهت که دانش صریح و دانش ضمنی پیرامون هر یک از مواد قانون از طریق دانشنامه‌نگاری در نظم علمی بازتنظیم می‌شود، از فرایندهای مدیریت دانش نیز برخوردار است و همان‌گونه که در ارتباط با مدیریت دانش سیستم‌های^۳ مختلف مدیریت دانش و نرم‌افزارهای متعددی در ارتباط با مدیریت دانش پدید آمده است، می‌توان در پژوهش‌های دانشماده‌نگاری قانون نیز از این تجربه بشری استفاده کرد.

1. Literary Genres

2. knowledge management

3. Systems

۳-۴. مطالعه دانشماده‌نگاری از دیدگاه پژوهش در تجربه زیسته^۱:

متدولوژی پژوهش در تجربه زیسته از جمله تحقیقات پژوهش کیفی ارزیابی می‌شود.^۲ تبیین و توضیحی که در نظم علمی پیشنهادی برای پژوهش در دانشماده‌نگاری قانون ارائه شد، به خوبی نشان می‌دهد که این نظم علمی به دنبال پژوهش در تجربه زیسته یک ماده قانونی است؛ زیرا سرنوشت ماده قانونی را از مراحل قبل از تکوین و تصویب تا مراحل رشد و فربه سازی و کاربرد و آثار و حتی پس از نسخ آن جستجو می‌کند و بر این اساس، پژوهش مزبور از جمله مصادیق پژوهش در تجربه زیسته است و از منطبق و متدولوژی مربوط می‌تواند استفاده کند.

۴-۴. ارتباط با فرهنگ‌نامه‌نویسی^۳ و دانشنامه‌نگاری^۴:

مطالعه دانشماده‌نگاری پیوندی تکاملی با مطالعات ترمینولوژی‌نویسی و اصطلاح‌نامه‌های تخصصی و دانشنامه‌نگاری دارد. وجه تشابه این رویکرد ناشی از آن جهت است که در ترمینولوژی و دانشنامه‌نگاری تلاش و تمرکز در ثبت و ضبط دانش پیرامونی یک واژه و «اصطلاح تخصصی» است. به عبارت دیگر، دانشنامه نویسان تلاش دارند تا دانش پیرامونی یک اصطلاح تخصصی را شناسایی و تدوین کنند. این اصطلاح تخصصی بر اساس معیارهای واژه‌گزینی و متدولوژی خاص تعیین می‌شود. به همین سیاق نیز مطالعه دانشماده‌نگاری در تلاش است تا دانش پیرامونی یک ماده قانون را شناسایی، ثبت، ارزیابی و تدوین کند. با این تفاوت که مدخل مورد توصیف در مطالعه دانشنامه‌نگاری وضعیتی بسیط و تک ساختی (تک واژه‌ای و یا ترکیبی) دارد؛ در حالی که مدخل مورد پژوهش در مطالعه دانشماده‌نگاری عبارت و جمالتی است که در قالب یک ماده قانونی شکل گرفته است؛ اما وجوه تشابه و ارتباط میان این دو مدل پژوهشی امری آشکار است.

¹. Lived experience

^۲. برای مطالعه بیشتر نگاه کنید به

Given, Lisa, ed. (2008) "Lived Experience". The SAGE Encyclopedia of Qualitative Research Methods. SAGE Publications. Retrieved 2018-04-02.

پژوهش در تجربه زیسته در تحقیقات پدیدارشناختی کیفی انجام می‌شود و طی آن به بازنمایی از تجربیات و انتخابهای یک شخص معین یا مفهوم مشخص پرداخته می‌شود و دانشی که از این تجربیات و انتخابها به دست می‌آید حاصل پژوهش در تجربه زیسته شخص معین یا مفهوم مشخص است.

³. Dictionary writing

⁴. Encyclopedia writing

۴-۵. ارتباط با پژوهش‌های محشای نویسی و شرح ماده به ماده قوانین:

دانشماده‌نگاری بیشترین تشابه و ارتباط را با این‌گونه آثار علمی و حقوقی دارد. پدیداری آثاری که با عنوان «شرح ماده به ماده یک قانون» و یا با عنوان «بررسی قانونی خاص در نظم حقوقی کنونی» و یا با عنوان «محشای یک قانون» نگاشته شده است، نشان می‌دهد که بررسی دانش پیرامونی یک ماده قانون از دیرباز مورد توجه پژوهشگران حقوقی و استادان بنام حقوق بوده است و این منابع همواره از سوی جامعه حقوقی مورد استقبال قرار گرفته است. بر این اساس، مطالعه دانشماده‌نگاری در فرایندی تکاملی با این سنت پژوهشی قرار می‌گیرد و آن را در نظمی علمی و منطقی ارتقاء می‌دهد و فرایند تکاملی آن را دنبال می‌کند.

۴-۶. ارتباط با سنت علمی کهن:

پیوند میان سنت‌های علمی و فرایند تکاملی آن‌ها امری مسلم و مشهود است؛ کما اینکه سنت محشانویسی که قدمتی دیرین دارد و از دیرباز توسط پژوهشگران و استادان حقوق، مورد استفاده بوده است اما این سنت برگرفته از پیشینه‌ای کهن و هزارساله است که در قالب سنت «حاشیه‌نویسی» و «شرح‌نویسی» بر متون کهن فقهی رایج بوده است. در نتیجه فرایند تکاملی دانشماده‌نگاری در ارتباط با سنت‌های علمی پیشین، امری مسلم و مشهود است. با وجود این، از آن جا که پیشنهاد دانشماده‌نگاری با این نظم علمی برای اولین بار مطرح شده است لازم است تأملات بیشتری در این خصوص اندیشیده شود و نمونه‌های متعددی از آن تدوین شود تا مشخص شود دانشماده مواد قانون چگونه باید تدوین شود؟ و چه مرجعی صلاحیت انجام این کار را دارد؟ و چه کارکردهای مثبتی دارد؟ و برای کارکردهای منفی و احتمالی آن چه تدابیری باید اندیشید؟ «پژوهشکده حقوق و قانون ایران» در این زمینه با بیش از ده سال پژوهش و تهیه قریب به ۳ میلیون فیش تحقیقاتی که پیرامون ۱۰ هزار ماده قانونی فراهم آورده است، آمادگی دارد که پذیرای علاقه‌مندان به دانشماده‌نگاری قانون باشد. امید آن که در توسعه حقوق بومی و ارتقای ادبیات حقوقی ایران موفق باشد بعون الله تعالی.

Article-knowledge-graphy pertaining law
(A Newly Found Capability for the purpose of Evolution in Contemporary
Legal Literature)

Seyyed Hossein Safaei¹
Mohammad Darvishzadeh²

Editorial

Article-knowledge (in the context of statutes) is a newly compounded proposition designed similar to such terms as encyclopedia, terminology, knowledge based, knowledge-essence, associate professor, educational grade, etc.

In this editorial, an attempt is made to design and propose a scientific order by the use of these newly found compounded words.

In order to organize "the knowledge pertaining to articles of the law" and to develop an article-oriented approach in researching the law, the authors believe that in this manner contemporary legal literature will evolve, become more efficient and enriched. By the power of God Almighty.

¹. Professor of the University of Tehran, (Email: hsafaii@ut.ac.ir)

². Former justice of the Supreme court and the head of the Iranian Law and Legal Research Institute, (Email: darvishzadeh@lawpedia.ir)